

بررسی کوتاه شرح حال و سروده های مختاری غزنوی

دکتر محمد سلیم مظہر ☆

Abstract:

Besides Iran, Persian Literature has deep roots in the soil of Afghanistan and Central Asia as well. Ghazna or Ghazni has enjoyed the tatus of being the famous and rich capital of the Ghaznavids in 5th century A.H. During that particular span of time, Ghazni was the great patron of Muslim culture, civilization, literature, religion and theology. Mokhtari Ghaznavi is a celebrated poet of that age. In this article, a short description about his life and a brief analysis of his poetry has been rendered.

Key words: Persian poetry, 5th century A.H, Mokhtari Ghaznavi

ابو عمر بهاء الدین عثمان بن عمر ملقب به حکیم، مختار الشعراء، معیار الفضلا قائد الحکما در ابتدا "عثمان" تخلص می کرد و سپس تخلص مختاری را برگزید۔ وی بین سالهای ۴۷۰ و ۴۷۳ ق/ ۱۰۷۷ و ۱۰۸۰ م در غزنه به دنیا آمد۔ (۱) در حدود بیست سالگی به عنوان قصیده سرا با دربار سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی (حک ۴۵۰ - ۴۹۲ ق/ ۱۰۵۹ - ۱۰۹۹ م) پیوست۔ وی پس از در گذشت ابراهیم بن مسعود شاعر دربار مسعود بن ابراهیم غزنوی (حک ۴۹۲ - ۵۰۸ ق/ ۱۰۹۹ - ۱۱۱۴ م) شد و سپس با یمین الدوله بهرامشاه غزنوی

(حک ۵۱۲ - ۵۴۷ق/ ۱۱۱۸ - ۱۱۵۲م) معز الدین ارسلان شاه قاوردی (۴۹۵ - ۵۳۷ق/ ۱۱۰۲ - ۱۱۴۳م) وابسته شد۔ وبعدها از سلاجقه کرمان عضد الدوله مغیث الدین فناخسرو بویی (حک ۵۰۸ - ۵۰۹ق/ ۱۱۱۴ - ۱۱۱۵م) ویمین الدوله امیر اسماعیل گیلکی (زنده در ۴۹۳ق/ ۱۱۰۰م) ملک طبس که مثنوی خود "هنر نامه یمینی" را به وی پیشکش کرده و سرهنک محمد خطیبی (خطیب) هروی و..... را ستایش کرده است۔ (۲)

واژه های کلیدی: ادبیات معاصر، روشنفکری، دموکراسی، ایران شناسی،

جلال آل احمد.

به عقیده رکن الدین همایون فرّخ، مختاری شاعری جهانگرد بود، وی علاوه بر بلخ، سیستان و کرمان به شبه قاره نیز مسافرت کرده و در قضدار (خضدار فعلی در پاکستان) لاهور و جالندر میان سال های ۴۹۵ و ۴۹۸ق/ ۱۰۹۶ و ۱۱۰۴م بوده است۔ (۳)

تذکره نگاران مختاری غزنوی را استاد حکیم سنائی (۵ - ۵۴۵ق/ ۱۱۵۰م) گفته اند۔ (۴) از خود آثار و اشعار سنائی نیز این امر به تایید می رسد۔ وی به مختاری غزنوی فوق العاده احترام می گذاشت و قسمتی از مثنوی "کارنامه بلخ" را به ستایش وی اختصاص داد (۵) و قصیده طولانی نیز با مطلع۔

نشود پیش دو خورشید و دو مه تاری تیر

گر برد ذره ای از خاطر مختاری تیر (۶)

در مدح حکیم مختاری سرود و او را بزرگترین شاعر دوران خود قرارداد۔

در باره سال در گذشت حکیم مختاری اطلاعات متفاوتی نقل شده

است۔ عرفات العاشقین آن را چهار صد و سی اند نوشته است که بدیهی است

که اشتباه است و باید پانصد و سی و اند باشد، مجمع الفصحا ۵۴۴ق/ ۱۱۴۹م
محمد قزوینی در تعلیقات بر "لباب الالباب" ۵۳۴ق/ ۱۱۳۹م یا ۵۴۴ق/
۱۱۴۹م و مدرس رضوی ۵۳۵ق/ ۱۱۴۱م را سال در گذشت او گفته است۔
(۷) استاد همایون فرخ با آوردن دلایل متعدد دی ۵۲۲ق/ ۱۱۲۸م را به عنوان
سال در گذشتش درست تر دانسته است۔ (۸)

حکیم مختاری علاوه بر دیوان شعری که شامل قصائد، غزلیات،
قطعات و رباعیات است، دو مثنوی به عنوان "هنرنامه یمینی" و "شهریار نامه" نیز از
خود به یادگار گذاشته است۔ دیوان مختاری نخست به کوشش رکن الدین
همایون فرخ با مقدمه بسیار مفصل و تحقیقی را در شرح زندگانی و اوضاع
اجتماعی دوره شاعر، معاصران، ممدوحان و پیروان سبک شعر وی در سال
۱۳۳۶ش در تهران چاپ شد۔ بار دیگر استاد جلال الدین همائی آن را با مقدمه ای
مختصر در ۱۳۴۱ش در تهران چاپ کرد۔ در تصحیح استاد همائی دو مثنوی
مختاری نیز درج شده است که در تصحیح استاد همایون فرخ وجود ندارد۔

هنر نامه یمینی: مثنوی است مشتمل بر ۴۹۲ بیت در بحر خفیف مخبون
مقصور (فاعلاتن فاعلاتن فعلات) هم وزن با "حدیقہ سنائی" که حکیم مختاری
آن را برای یمین الدوله امیر اسماعیل گیلکی، ملک طبس، میان سال های ۵۰۰ و
۵۰۸ ق سرود و به مناسبت لقب ممدوحش "یمین الدوله" آن را هنرنامه یمینی
نامید و به وی تقدیم کرد۔ او در این مثنوی در ابیات متعدد از او نام برد۔

حرز جان تو بر فلک زین پس
این هنر نامه یمینی بس

هنر ویمن خلق را و بنیاد
از هنر نامه یمینی باد (۹)

نام شاعر نیز در خاتمه و در جاهای مختلف مثنوی مکرر ذکر شده و دلائل بسیار هم در متن اشعارش وجود دارد که در انتساب آن به "مختاری" هیچ شک باقی نمی گذارد:

ای خداوند بنده مختاری
جست چندی گه از خرد یاری
تا بود خوب، خوب کرداری
مدح گوی تو باد مختاری (۱۰)

شهر یار نامه: مثنوی حماسی است دارای ۵۱۸۵ بیت که مختاری آن را به پیروی از شاهنامه فرودسی (د - ۴۱۱ یا ۴۱۶ ق / ۱۰۲۰ یا ۱۰۲۵ م) و "گرشاسب نامه" اسدی طوسی (د - ۴۶۵ ق / ۳ - ۱۰۷۲ م) و "برزو نامه" اثر عطا بن یعقوب کاتب (د - ۴۹۱ ق / ۱۰۹۸ م) در بحر متقارب در مدت سه سال به نام سلطان علاء الدوله مسعود بن ابراهیم و در دوره حکمفرمائی او (۴۹۲ - ۵۰۸ ق / ۱۰۹۹ - ۱۱۱۴ م) سرود و به او تقدیم کرد (۱۱) این مثنوی نخست همراه با دیوان مختاری به کوشش استاد جلال همایی (تنها ۹۲۵ بیت) و سپس به کوشش دکتر غلام حسین بیگدلی با مقدمه پانزده صفحه ای در احوال و آثار و سبک شاعر و گزارشی درباره کار تصحیح با خط خود مصحح در ۱۳۵۸ ش / ۱۹۷۹ م در تهران چاپ شد.

حکیم مختاری یکی از شاعران نامدار دوره خود بود اگرچه بیشتر شعر یاهی او را قصائدش تشکیل می دهد. ولی وی به انواع دیگر سخن چون غزل، قطعه، رباعی

و مثنوی نیز مهارت داشت، چنانکه خودش می گوید:

فرمای تاکنند مر امتحان که من

در هر سخن توام گستاخ زد سخن (۱۲)

به عقیده استاد همایون فرخ "سبک مختاری سبک خراسانی است و او در قصاید خود به حکیم ارزقی هروی، امیر معزی، عنصری بلخی و مسعود سعد سلمان توجه داشته ولی از نظر نحوه فکر و تبحر در کلام و خلق معانی بکر و تازه بر آنها برتری دارد (۱۳)۔

مختاری در سبک خراسانی مبتکر شیوه خاصی بوده که مخصوص خود اوست۔ وی از استعمال لغات مشکل و دور از ذهن احتراز می جوید و می کوشد بازبان رایج عصر خود معانی و تعبیرات و استعارات بکر و تازه ای بسازد و به کار ببرد و خودش نیز به این موضوع اشاره می کند:

من پارسی زبانم زان کردم احتراز

زان تازیی که خنده زنند از مربقی

گردم همی به گرد سخن های دلفریب

در آرزوی شعر معزی و ارزقی (۱۴)

و گاه سادگی و لطافت کلام رود کی در آثارش دیده می شود مانند۔

زیاد دوست همی بوی بوستان آید

مرالطیف تراز بوی بوستان آید

آثار وی چه در زمان حیات و چه پس از مرگش مورد توجه گویندگان نامدار پارسی چون خاقانی، امیر خسرو دهلوی، اثیر اخستگی عبدالرحمان جامی، و..... بوده است۔ و خود مختاری بر این امر وقوف داشته و به تکرار به استادی

خود در شعر مباحات کرده است۔

من همی دعوی کنم کاندر طریق فارسی

آتش و آیم من و ایشان دخانند و شرا (۱۵)

حکیم مختاری در "هنرنامه یمینی" منظومه ای به عنوان فتح نامه مختاری دراد که در آن فتوحات "مهیاره" قنوخ و سنام" (مناطق شبه قاره) به دست علاء الدوله مسعود غزنوی را منظوم کرده است که در برخی از اشعار آن منظومه که در پیروی از فتح نامه های مسعود سعد سلمان و ابوالفرج رونی سروده شده است۔ نامهای مناطق مزبور را نیز آورده است۔ وی به مباحث فتح سنام به دست علاء الدوله مسعود می گوید۔

خبر رسید که اند نواحی سنام

سر حصاری کرده است باستاره قران

حصار بستد و بتخانه ها بکند و بسوخت

ز شهر و دشتش گلزار کرد و آتشدان (۱۶)

خواست تاتخم بندگی کارم

فتح مهیاره را به نظم آرم (۱۷)

علاوه بر این فتح نامه در قصائد مرعددی حکیم مختاری از هندوستان و مناطق مختلف آن به نحوی ذکر کرده است که مسافرت و اقامت وی در آن سر زمین ثابت می شود۔ دریک قصیده علاء الدوله مسعود بن ابراهیم می نویسد:

سپاه توزپس و اودر آب گنگ از پیش

به حرق و غرق چنین شد شمار ز آتش و آب

نه دیر زود شود همچو بقعه فنوج
بتان بتکده قندهار زآتش وآب (۱۸)

نمونه اشعاروی از غزل :

به بسته ای سر زلفین دلربای که چه
گشاده ای گره تکمه قبای که چه
دوچشم شوخ به يك شهر بر گماشته ای
غنی به کبر و به دل خواستن گدای که چه
اگر به يك نظر اندر هزار دل بیری
به نیم ذره نیدیشی از خدای که چه
به رهگذار خرابات زاهدان شده اند
زه‌های وهوی تو گریان به های های که چه
به کوی دلشدگان بر بیسته ای ره صبر
زبس فرو شو بیهوده و برآی که چه
همی به خنگاه صوفیان در آیی مست
طریق دین و خرد مانده ای به جای که چه
ترا نیارد يك خانه زر به خانه من
همی به خیره بکوبی در سرای که چه (۱۹)

از مثنوی "هنرنامه یمینی" :

خیز و بر کار کن یکی جامه
که بود نقش بند او خامه

تارش از عقل و پودش از جان کن
 معنوی های نقش الوان کن
 که به دست آوری نهایت فخر
 بر طرازش ببینی آیت فخر
 ملك را سر ملوك را اكيل
 بی بد بو المظفر اسماعیل
 آن که از اسم اوست جان خرد
 خامه اوست ترجمان خرد (۲۰)

از مثنوی "شهریار نامه" در "رسیدن فرامرز از هندوستان و جنگ او با ترکان"

زیس تیر بر جوشن شاه شیر
 همی تیر بر تیر شد جای گیر
 چه شد راست بر چرخ گردنده هور
 نماند آن زمان برتن شاه زور
 تن خویش بر مرگ بنهاد شاه
 که ناگاه کردی بر آمد زراه
 برون آمد از گرد لشکر دولك (۲۱)
 که جنبان زمین بود ولرزان فلک
 سواری دمان پیش آمد زراه
 شد آگاه از رزم لهراسب شاه (۲۲)



منابع و یادداشت ها

- ۱- مختاری غزنوی ، دیوان (همایون فرّخ) ، مقدمه بیست و یک ، بیست و سه و بیست و هشت
- ۲- همو، دیوان (همایی)، ص ۱۱ ؛ همو، دیوان (همایون فرّخ) ، مقدمه پنجاه و سه ، نود ، اردو دائرۃ معارف اسلامیہ ، ج ۲ ، ص ۱۱۶
- ۳- مختاری غزنوی ، دیوان (همایون فرّخ) ، مقدمه نود و یک ، نود و هفت
- ۴- همو ، همان ، مقدمه سی و چهار ، سی و پنج
- ۵- همو ، همان ، همانجا
- ۶- سنایی غزنوی ، دیوان ، ص ۲۸۱
- ۷- همو ، همان ، مقدمه قله
- ۸- مختاری غزنوی ، دیوان (همایون فرّخ) ، مقدمه صد و سه
- ۹- همو ، همان (همایی) ، صص ۶۴۲ ، ۶۹۶
- ۱۰- همو ، همان ، ۶۴۳ - ۶۴۴
- ۱۱- همو ، شهریار نامه ، صص ۳-۴
- ۱۲- همو ، دیوان (همایون فرّخ) ، مقدمه سی و یک
- ۱۳- همو ، همان ، همانجا
- ۱۴- همو ، همان ، همانجا
- ۱۵- همو ، همان ، مقدمه سی و دو

- ۱۶ - همو، همان (همایی)، ص ۶۷۶
- ۱۷ - همو، همان، ص ۶۷۵
- ۱۸ - همو، همان، ص ۶۹۳
- ۱۹ - همو، همان، ص ۵۸۰
- ۲۰ - همو، همان، صص ۷۲۵-۷۲۶
- ۲۱ - دو لك عددی است برابر با دویست هزار
- ۲۲ - مختاری غزنوی، شهر یارنامه، ص ۱۵۱

کتاب شناسی منابع

سنایی غزنوی، دیوان، به محمد تقی مدرس رضوی، تهران، ۱۴۴۱ ش
مختاری غزنوی، عثمان، دیوان، به کوشش جلال الدین همایی، تهران،
۱۳۴۱ ش

همو، دیوان، به کوشش رکن الدین همایون فرخ، تهران، ۱۳۳۶ ش
اردو دائره معارف اسلامیه، دانشگاه پنجاب لاهور،

